فصلنامه علمی اعتیاد پژوهی، سال هفدهم، شماره هفتاد، ص۷۸-۵۵، زمستان ۱۴۰۲
Scientific Quarterly of Research on Addiction, Vol. 17, No. 70, P 55-78, Winter 2024

مقاله پژوهشی
Research Article

تجربه زیسته زنان متقاضی طلاق با همسر وابسته به مواد: یک مطالعه پدیدارشناسی

زهرا مستدام[۱]، علی رضایی شریف[۲]، حمید رضا صرامی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی تجربه زیسته زنان متقاضی طلاق با همسر وابسته به مواد بود. **روش**: پژوهش حاضر کیفی مبتنی بر رویکرد پدیدارشناسی بود. جامعه پژوهش زنان متقاضی طلاق با همسر وابسته به مواد شهر تهران در سال ۱۴۰۱ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک اشباع داده‌ها، ۱۷ نفر انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها با روش مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام گرفت. **یافته‌ها**: در این مطالعه پس از استخراج جملات و کلمات مهم از متن مصاحبه، ۴ درون‌مایه اصلی و ۱۶ درون مایه فرعی استخراج شد. درون مایه‌های اصلی شامل نارضایتی زناشویی، قطع ارتباط عاطفی، اجبار به طلاق و نگرانی در مورد آینده خود و فرزندان بود. **نتیجه‌گیری**: خانواده‌ها و به ویژه همسران مردان مصرف‌کننده مواد به دلیل قرار گرفتن در معرض آسیب‌پذیری شدید فردی و اجتماعی نیازمند درک و حمایت همه جانبه هستند. این یافته‌ها دیدگاه جدیدی به تیم درمان برای درک واقعی‌تر خانواده‌های بیماران وابسته به مواد و مشکلات واقعی آنها می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: تجربه زیسته، زنان با همسر وابسته به مواد، زنان متقاضی طلاق، پدیدارشناسی

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. پست الکترونیک: Z.mostadam@ut.ac.ir
۲.. استاد، گروه مشاوره و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
۳. مدرس دانشگاه و پژوهشگر اعتیاد

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

مقدمه

مصرف مواد مخدر و مسائل مربوط به اعتیاد یکی از مهم‌ترین مشکلات عصر حاضر است که گستره‌ای جهانی پیدا کرده، پا از مرزهای بهداشتی—درمانی فراتر گذاشته و به یک معضل روانی، زیستی، اجتماعی و خانوادگی تبدیل شده است (امیری‌راد، اسلمی و موسوی، ۱۴۰۰). اعتیاد از نظر سازمان بهداشت جهانی[1]، مجموعه‌ای از علائم جسمانی، رفتاری و روان‌شناختی است که شخص با وجود داشتن مشکلات قابل توجه به موجب استفاده از آن، نه تنها به مصرف آن ادامه داده بلکه برای رفع این نیاز به انجام رفتارهای مخاطره‌آمیزی اقدام می‌کند که موجب اختلال در زندگی اجتماعی و فردی او می‌شود (اسلمی، امیری‌راد و موسوی، ۱۳۹۹). بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی بیش از شش درصد جمعیت جهان (حدود ۲۰۰ میلیون نفر) مصرف مواد مخدر دارند که این میزان در ایران تقریباً دو میلیون نفر برآورد شده است (احمدی و قاسمی‌پور، ۱۴۰۰). بی‌تردید اولین ضربه‌های اعتیاد بر پیکر خانواده وارد می‌شود و نتیجه آن برای خانواده چیزی جز پریشانی، عدم کنترل خشم و به وجود آمدن هرج و مرج، مهارت‌های انضباطی ضعیف و در مواردی بی‌بندوباری، نیست. در واقع اعتیاد، زمینه‌ساز و فرصتی برای فساد تلقی می‌شود. امروزه اعتیاد سرپرست خانواده به یک معضل جدی برای جوامع بشری تبدیل شده است که روز به روز بر میزان آن افزوده می‌شود و کشور ایران نیز از شیوع و خطرات آن مصون نمانده است (آرمان‌پناه، سجادیان و نادی، ۱۳۹۹). فرد معتاد در طول اعتیادش از خانواده خود جدایی پیدا کرده و به نیازهای خانواده و خصوصاً همسر خود بی‌توجه است و لذت و رضایت خود را از مواد کسب می‌کند؛ در اشکال پیچیده‌تر و عمیق‌تر آن می‌توان شاهد طلاق عاطفی فرد معتاد با همسر بود (آرلاپا، جها و جایاسیلی[2]، ۲۰۱۹).

در این میان خانواده‌هایی که در آن مرد مبتلا به مصرف مواد است، تفاوت چشمگیری با خانواده‌های عادی دارند؛ به طوری که اعتیاد موجب اختلال در کارکردهای مختلف در

1. World Health Organization (WHO)

2. Arlappa, Jha & Jayaseeli

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

سطح جامعه از جمله روابط اجتماعی، بین‌فردی، آموزشی، اقتصادی و از همه مهم‌تر بر روابط خانوادگی و عاطفی بین اعضای خانواده می‌شود (طاهری، هاشمی رزینی و وکیلی، ۱۳۹۹). افزون بر این، از عمده‌ترین آسیب‌های خانوادگی در سایه اعتیاد، می‌توان به تاثیر مخرب آن بر روابط عاطفی، روانی و جنسی زن و شوهر اشاره کرد؛ زیرا اعتیاد مرد، موجب ایجاد احساس انزوا و عدم تعلق عاطفی و روانی نسبت به همسر شده و در نهایت به بحث و درگیری بین زوجین منتهی می‌شود. آسیب‌های ناشی از زندگی با فرد معتاد گاه آنقدر عمیق می‌شود که افزون بر تحمل عوارض اعتیاد، همسر فرد مصرف‌کننده مواد نیز در معرض استرس و مشکلات روان‌شناختی قرار می‌گیرد (اندوه-ارتور، هجلملند، اوسافو و نیزک[1]، ۲۰۲۰). زنان دارای همسر معتاد به دلیل تلاش زیاد برای حفظ و مدیریت خانواده، متحمل فشار روانی زیادی به جهت پذیرش مسئولیت سرپرستی خانواده می‌شوند و همین دلیلی برای گسست عاطفی بین زن و شوهر می‌شود (توربرگ[2] و همکاران، ۲۰۱۹). قطع ارتباط عاطفی و یا همان طلاق عاطفی به سردی روابط بین زن و شوهر گفته می‌شود. رابطه عاطفی ضعیف ممکن است به سردی سایر روابط یک زوج، مانند رابطه روحی، جسمی و حتی کلامی آنها منجر شود. وجود این مشکل در رابطه، بی‌مهری و کم شدن محبت خانوادگی را در پی دارد. در واقع طلاق عاطفی را نخستین مرحله فرایند طلاق می‌دانند و این مسئله، رابطه زناشویی را رو به زوال می‌برد (دهقانی‌تفتی، محمدی و حقیقتیان، ۱۳۹۸). این گسستگی‌های عاطفی، طلاق و از هم پاشیدگی کانون خانواده از پیامدهای سوء اعتیاد به شمار می‌رود. بنابراین در چنین خانواده‌هایی زن در نقش همسر در امن‌ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده که باید محیطی برای امنیت و آرامش او باشد، نه‌تنها در هراس و ناامنی به سر برده؛ بلکه این زنان، به فرض مقاومت می‌بایست، بیشترین فشارها و آسیب‌ها را از هر سو تحمل کنند و به تنهایی مسئولیت یک خانواده نابسامان را به دوش بکشند (زمانی، ۲۰۱۷). زنانی که همسرشان معتاد است در زندگی خود با مشکلات متعددی روبرو می‌شوند که خیلی اوقات احساس می‌کنند هیچ راه برون رفتی از این

1. Andoh-Arthur, Hjelmeland, Osafo & Knizek

2. Thorberg

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

شـرایط ندارند و به نوعی به بن‌بسـت در زندگی خود رسـیده‌اند (مرندی، واحدی و قوی پنجه، ۱۴۰۰). یکی دیگر از مشـکلات زنانی که همسـر معتاد دارند، از جانب خانواده و طرافیان است که این زنان را سرزنش می‌کنند که چرا به زندگی با فرد معتاد ادامه می‌دهند. به دلیل اینکه افراد معتاد در جامعه پذیرفته نمی‌شـوند، خانواده آنها هم ممکن اسـت از طرف جامعه طرد شـوند و همه این موارد زنان را به سـمت طلاق از همسـر معتاد سـوق می‌دهد (گیانا، هوباچ، کورین و ویلر[1]، ۲۰۱۹).

اختلال در سـاختار خانواده‌های دارای سـرپرسـت معتاد و فقدان ارتباطات صـحیح بین زوجین در این خانواده‌ها، موجب بروز آشـفتگی‌ها و کشـمکش‌های بین اعضـای خانواده می‌شود. در نتیجه، این عوامل موجب اختلال در روابط زناشویی شده و خیلی از زندگی‌ها را به سـمت طلاق سـوق می‌دهد (شـیری و گودرزی، ۱۳۹۹). شـواهد آماری حاکی از آن اسـت که ۳۴ درصـد از طلاق‌ها در کشـور، ناشـی از اعتیاد و مسـائل مرتبط با مواد مخدر می‌باشد و ۶۰ درصد علل درخواست طلاق از سوی زنان، اعتیاد همسر و عدم دریافت نفقه می‌باشـد (جناآبادی و جوادی‌فر، ۱۴۰۰). بنابراین تعداد بسـیاری از خانواده‌ها تحت تاثیر مستقیم و غیرمستقیم پدیده شوم اعتیاد هستند و طلاق یکی از پیامدهای عمده اعتیاد است که به نوبه خود می‌تواند دلیلی برشیوع و گسترش اعتیاد نیز باشد. اعتیاد شوهر غالباً منجر به هم خوردن نقش‌ها و وظایف خانوادگی می‌گردد، به گونه‌ای که بار مسـئولیت زنان خانه‌دار را می‌افزاید و آنها را تحت فشار قرار می‌دهد (نیکبخت نصرآبادی، پاشایی ثابت و بسـتامی، ۱۳۹۵). طلاق به عنوان انحلال ازدواج تعریف می‌شـود و باعث احسـاس گناه و کاهش اعتماد به نفس فرد می‌گردد (اسمیت- گرینوای و کلارک[2]، ۲۰۱۷). طلاق یکی از عوامل ایجادکننده اختلال و آشفتگی در زندگی انسان‌هاست. تصمیم به طلاق نتیجه فشار درونی شدیدی است که حداقل به یکی از همسران وارد می‌شود که ممکن است از طریق برآورده نشـدن نیازها یا اهداف و عدم‌توجه عوامل اجتماعی، اقتصـادی، فرهنگی، فردی و شـخصـیتی رخ دهد (روسـی، هولتزورث-مونرو و راد[3]، ۲۰۱۶). واکنش‌های روان‌شـناختی

1. Giano, Hubach, Currin & Wheeler
2. Smith-Greenaway, Clark
3. Rossi. Holtzworth-Munroe, Rudd

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

در پاسخ به پدیده‌ای مثل طلاق، می‌تواند با طیفی از پاسخ‌های معمول شروع و به شرایط آسیب‌زا منجر شود (چن و ییپ[1]، ۲۰۱۸)؛ یعنی آشفتگی‌های روان‌شناختی شدید و طولانی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده نتایج منفی مثل اختلال در عملکرد اجتماعی و کاهش کیفیت زندگی شود (نانی، کارسو، ساباتو و گراسی[2]، ۲۰۱۸). تاثیرات ویران‌گر این پدیده اجتماعی، طیفی گسترده را در بر می‌گیرد و افزون بر زوجین، دامن‌گیر فرزندان آنها نیز خواهد شد (اورن و هادومی[3]، ۲۰۲۰) و سلامت روانی و کیفیت زندگی همه اعضای خانواده را تهدید خواهد کرد؛ به طوری که حتی با ایجاد نگرش منفی در فرزندان نسبت به ازدواج باعث آسیب رساندن به آینده آنها نیز خواهد شد (دیلی[4]، ۲۰۱۹).

از جمله مشکلاتی که طلاق برای زنان با همسر وابسته به مواد ایجاد خواهد کرد، فشارهای روحی و روانی، مشکلات اقتصادی و معیشتی (لئوپولد[5]، ۲۰۱۸)، روابط خارج از عرف اجتماعی، افسردگی، سرخوردگی و کاهش رضایت از زندگی، پذیرش نقش‌های چندگانه و تعدد نقش‌ها، روی آوردن به آسیب‌هایی همچون اعتیاد، فحشا، انزوا و اختلال در تعاملات اجتماعی و نگرانی از آینده‌ی نامعلوم می‌باشد (ساندس، تامپسون و گایسینا[6]، ۲۰۱۷). در پژوهشی که حیاتی و سلیمانی (۱۳۹۷) انجام دادند به بررسی پیامدهای طلاق پرداختند و بیان کردند که سه مضمون اصلی از پیامدهای طلاق برای زنان شامل: ۱. پیامدهای اجتماعی- فرهنگی نظیر اعمال کنترل، برچسب‌های اجتماعی، سردی روابط اطرافیان، مورد طمع واقع شدن، دشواری ازدواج مجدد، هراس از ازدواج، زن در جایگاه اتهام و شیء شدگی (نگاه ابزاری به زنان مطلقه)؛ ۲. پیامدهای اقتصادی و پیامدهای شخصی نظیر احساس تنهایی، شکست، قربانی شدن، تنفر و پشیمانی، می‌باشد. همچنین حضور کودکان نقش‌های متفاوتی را برای زنان مانند ناتوانی در رها کردن زندگی مشترک، تعارض در اقدام به طلاق و از دست رفتن فرصت ازدواج مجدد داشته است. نگرانی‌های زنان در مورد آینده به دلیل نبود پشتوانه‌های اقتصادی- اجتماعی، دسترسی نداشتن به شغل مناسب و نداشتن مهارت‌های لازم و... می‌باشد.

1. Chen, & Yip
2. Nanni, Caruso, Sabato & Grassi
3. Oren, & Hadomi
4. Daily
5. Leopold
6. Sands, Thompson & Gaysina

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

هر چند طلاق شـــیوع زیادی پیدا کرده ولی در همه فرهنگ‌ها و جوامع به یک اندازه قابل قبول نیسـت. طلاق در فرهنگ شـرقی هنوز به عنوان پدیده اجتماعی نامطلوبی در نظر گرفته می‌شود که منجر به مشکلات اجتماعی زیادی می‌شود (ال‌خطیبه[1]، ۲۰۲۲). زنانی که اقدام به طلاق می‌کنند از نظر مالی به دیگران وابســته می‌شــوند و به عنوان یک زن مطلقه تحت فشـــار زیادی قرار می‌گیرند؛ زیرا مجبورند زندگی خود را با هنجارهای اجتماعی دیکته شـــده توســـط خانواده، دوســـتان و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنند، از نو تطبیق دهند و این امر با میزان اسـترس و نگرانی تجربه‌شـده در فرایند سـازگاری بعدی طلاق اثر مســتقیم دارد (احمدخان و حمید، ۲۰۲۱). در پژوهشـــی که مفردنژاد، منادی و اخوان‌تفتی (۱۴۰۱) در مورد تجارب زنان مطلقه از پیامدهای طلاق، انجام دادند، نشان دادند پیامدهایی که زنان بعد از طلاق خود با آن مواجه هسـتند شـامل چهار مضـمون اصـلی و ۱۶ مضـمون فرعی می‌باشد. این مضامین شامل: ۱. پیامدهای اجتماعی که دربرگیرنده: تحمیل تصورات جامعه به زنان مطلقه، انگ اجتماعی، مورد طمع واقع شـدن؛ ۲. پیامدهای فرهنگی اجتماعی شامل: روابط مجدد، روابط با اطرافیان و دوستان، نقش خانواده؛ ۳. پیامدهای روان‌شناختی مانند احساسات بعد از طلاق (دنیای تناقض‌ها و اجتناب از تجربه آنها)، کمبود مهارت‌های زندگی، فکرهای احساس‌ساز و خطاهای شناختی، مشکلات جسـمانی، ارتباط با فرزندان، فرا والدگری؛ ۴. پیامدهای شـــخصـــی شـــامل بحران محل زندگی، اقدامات رفتاری و عدم امنیت اقتصادی است. با این اوصاف اگر زن با وجود اشراف به ناتوانی خود در خصوص ادامه زندگی مشـترک، به دلیل نداشـتن پشـتوانه، مجبور به ادامه دادن زندگی شـود، همین مسـئله، زمینه را برای بروز انواع آسـیب‌ها برای او و فرزندانش فراهم می‌کند؛ در حالی که اگر در چنین وضـــعیتی زن در صـــورت جدایی از حقوق اجتماعی، اقتصـــادی و حمایت برخوردار شـود، به طور قطع ابتدا برای زندگی مشـترک خود تصـمیم می‌گیرد و بعد هم ممکن اســـت همراه دیگری برای زندگی خود انتخاب کند (دهقانی‌تفتی و همکاران، ۱۳۹۸).

1. AL Khataybeh

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

موریارتی، استاب، برادفورد، تاپر و لیم[1] (۲۰۱۱) و صالحی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داده‌اند که اعضای خانواده مصرف‌کنندگان الکل یا مواد، دارای مشکلات روانی و اجتماعی بیشتری هستند. همچنین در این افراد هزینه درمانی نسبت به اعضای خانواده بدون اینکه فرد، مشروب الکلی یا مواد مخدر مصرف کند، افزایش می‌یابد (ری، مرتنز و وایزنر[2]، ۲۰۰۹). نه تنها جان افراد معتاد، بلکه بستگان افراد معتاد نیز در معرض آسیب‌های متعدد این پدیده اجتماعی قرار دارند. تاکنون هیچ تحقیقی در مورد تجربه زیسته زنان دارای همسر معتاد انجام نشده است، اگرچه در زمینه اعتیاد پژوهش‌های زیادی انجام شده است، همه این مطالعات در مورد خشونت و درخصوص مسئله اعتیاد و معتادان بوده است. همچنین شکاف ادبیاتی موجود این است که بیشتر مطالعات انجام شده در این زمینه با روش کیفی انجام نشده‌اند و مطالعات کمی در مورد جنبه‌های دقیق و عمیق زندگی با شریک وابسته به مواد از نگرش آنها در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه خانواده در فرهنگ ایرانی از جایگاه والا و با اهمیتی برخوردار است، بررسی همه مواردی که می‌تواند بر غنای آن و بهبود روابط اثر بگذارد و همچنین موردهایی که می‌تواند به پیکر این نهاد ضربه وارد کند، الزامی می‌باشد. باتوجه به شیوع گسترده‌ی پدیده اعتیاد و آسیب‌های بی‌شماری که اعتیاد به جامعه و خانواده به خصوص همسر افراد معتاد وارد می‌کند، نگاه به قضیه اعتیاد و یکی از پیامدهای مخرب اعتیاد، یعنی طلاق از نگاه همسران افراد معتاد ضروری به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به اینکه چنین اطلاعاتی در مورد تأثیر اعتیاد همسر بر زندگی زنان در دسترس نیست و هدف اصلی این پژوهش روشن شدن ابعاد عمیق این موضوع است، ممکن است از طریق پرسشنامه اطلاعات مورد نظر به دست نیاید. به عبارت دیگر، نمی توان از طریق کمیت‌های مطالعه تصویر کاملی از آنچه اتفاق می‌افتد به دست آورد. به همین دلیل، این مطالعه با هدف بررسی تجربیات زیسته زنان با همسران معتاد به مواد به صورت کیفی انجام شده است.

1. Moriarty, Stubbe, Bradford, Tapper & Lim
2. Ray, Mertens & Weisner

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر کیفی و مبتنی بر رویکرد پدیدارشناسی کلایزی[1] بود. جامعه آماری پژوهش شامل زنان متقاضی طلاق با همسر معتاد در شهر تهران در سال ۱۴۰۱ بودند. ۱۷ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند و با بیشترین تنوع انتخاب شدند. روش جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته بود و تا رسیدن به غنای لازم و اشباع اطلاعاتی ادامه یافت. پس از انجام ۱۷ مصاحبه اطلاعات جدیدی حاصل نشد و تکرار داده‌های قبلی بودند. ملاک‌های ورود برای شرکت‌کنندگان شامل تمایل و رضایت آگاهانه و گذشتن حداقل ۳ سال از ازدواج بود. معیارهای خروج شامل عدم تمایل افراد جهت ادامه همکاری در مطالعه بود. جهت رعایت اصول اخلاقی، ضمن اخذ رضایت شفاهی از افراد جهت شرکت در مطالعه، به مشارکت‌کنندگان اطمینان داده شد که شرکت در مطالعه و ضبط مصاحبه‌ها به‌صورت اختیاری است. همچنین، اطلاعات آن‌ها به صورت محرمانه نزد پژوهشگر خواهد ماند و افراد در هر مرحله از پژوهش حق کناره‌گیری از مطالعه را خواهند داشت. درنهایت، داده‌های گردآوری شده در فرایند مصاحبه‌ها نیز با استفاده از روش تحلیل مضمون[2] تحلیل شد.

یافته‌ها

نتایج حاصل از فرایند تحلیل و کدگذاری داده‌ها یعنی استخراج عبارت‌ها از مصاحبه‌ها، کدگذاری باز (شناسایی مضامین اولیه) و کدگذاری محوری (دسته‌بندی مضامین اولیه و ایجاد توصیفات جامع) در جدول ۱ ارائه شده است.

1. Collaizi's descriptive phenomenological analysis

2. Thematic analysis

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

جدول ۱: مضامین استخراج شده از محتوای مصاحبه با نمونه مورد پژوهش

مضامین اصلی	مضامین فرعی	نمونه‌های از گفته های شرکت کنندگان در مصاحبه ها
کم رنگ شدن کیفیت زندگی زناشویی	مشکلات ارتباطی با همسر	تحملش واقعا برام سخته.
	احساس ناامیدی و سرخودگی در زندگی	همه خیال‌ها و آرزوی‌هایی که برای زندگیم و بچه‌هام داشتم نقش بر آب شد.
	نرسیدن به آرزوها و امیال قبل ازدواج	وقتی به ازدواج خودم فکر می‌کنم از پیشمانی فقط شاخ درنمیارم.
	احساس سردرگمی در زندگی زناشویی	خودمم نمی‌دونم در آینده چی در انتظار من و بچه‌ام هست.
	احساس شکست در زندگی	تنها چیزی که برای همسرم اهمیت نداره زندگی زناشویی هست.
	عدم مسئولیت‌پذیری همسر	اون اصلا نمیدونه زن و بچه چیه.
		وقتی که خمار میشه من حتی جلوی چشمش هم بمیرم براش مهم نیست.
مشکلات عاطفی و احساس تنهایی	مشکلات تنهایی به خاطر عدم ارتباط عاطفی با همسر	من و همسرم انگار دو تا غریبه هستیم در خانه و هیچ رفتار محبت آمیز بین ما دو نفر رد و بدل نمی‌شه.
	فاصله گرفتن از همسر به خاطر اعتیاد	خیلی وقته که بین من و همسرم هیچ محبتی وجود نداره.
	عدم توجه همسر به نیازهای زنان به خاطر وابستگی شدید به مواد	به خاطر اینکه هزار بار التماسشو کردم که اعتیادشو کنار بزاره و نزاشت، ازش متنفرم.
	استفاده بیش از حد زنان از فضای مجازی برای پر کردن خلاها	نمیدونم اگر دوستام در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نبودن باید چطور با بی‌کسی خودم کنار میومدم.
		اگر راهی وجود داشت که بتونم با این اعتیاد لعنتی بجنگم حتما این کار رو می‌کردم.
احساس اجبار برای انتخاب طلاق	نبود گزینه‌های مختلف برای مقابله با پدیده شوم اعتیاد	خانواده‌ام الان چند سال مدام به من فشار میارن که عمر و زندگی خودت رو به خاطر یه آدم معتاد هدر نده. دیگه نمیتونم تحمل کنم.
	پایین آمدن تاب‌آوری و آستانه تحمل برای ادامه زندگی	حتی زمان‌های که از تصمیم طلاق پشیمون می‌شدم نگاه سنگین اطرافیان که من با یک فرد معتاد زندگی می‌کنم باعث می‌شد که مصمم بشم برای انتخاب کردن گزینه طلاق.
	فشار از طرف خانواده و جامعه برای طلاق گرفتن از همسر معتاد	واقعا نمیدونم چه جوری باید خرج و مخارج زندگی خودم و بچه‌هام رو تامین کنم.

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024
[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]
[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

جدول ۱: مضامین استخراج شده از محتوای مصاحبه با نمونه مورد پژوهش

مضامین اصلی	مضامین فرعی	نمونه‌های از گفته های شرکت کنندگان در مصاحبه ها
نگرانی در مورد زندگی آینده خود و فرزندان	نگرانی بابت وضعیت اقتصادی در آینده نشخوارهای فکری در مورد نگرش اطرافیان و جامعه به موضوع طلاق دغدغه‌های زیاد در مورد آینده نامعلوم فرزندان	متاسفانه تو جامعه ما نگاه‌های منفی نسبت به زن مطلقه وجود داره طوری که اگر بخوای حتی با یکی از بستگانت حرف بزنی، خانمش فکر می‌کنه برای شوهرش نقشه کشیدی. بیشترین نگرانی من بابت آینده دختر و پسرم هست. نمیدونم در آینده چی انتظارشون رو می‌کشه؟

در ادامه، مفاهیم طبقات مختلف بررسی و تشریح شد.

۱. کم رنگ شدن کیفیت زندگی زناشویی

نتایج پژوهش نشـــان داد که زنانی که متقاضـــی طلاق با همســـر معتاد بودند از زندگی زناشویی خود ناراضی بودند و هیچ نقطه روشنی را در زندگی زناشویی خود نمی‌دیدند. به طوری که به این نتیجه رســـیده بودند که طلاق گرفتن بهتر از ماندن در زندگی با فردی معتاد است. دلایل متعددی برای این نگرش وجود داشت. شرکت‌کنندگان در این پژوهش به مواردی از آنها اشـاره کردند. از موارد مورد اشـاره که تاثیری زیادی در این نارضـایتی داشت، تلاش‌های مکرر برای کمک به همسر جهت ترک کردن مواد مخدر و برگشت به زندگی بود که نتیجه‌ای برای این زنان نداشـته اسـت. زنان مورد پژوهش اشـاره کردند که طی چندین سـال متوالی تلاش کرده بودند که همسـرانشـان اعتیاد را کنار بگذارند و هر بار همسـر آنها به صـورت پنهانی دوباره به مواد مخدر روی آورده بودند. آنها بیان کردند که هر بار با هزار امید همسر خود را به مراکز ترک اعتیاد برده و او را تشویق کرده‌اند که مواد مخدر را کنار بگذارند ولی همسر آنها مجدد به مسیر خود بازگشته است. آنها بیان کردند که وقتی چندین سال به این روال را سپری کردند دیگر هیچ امید به برگشت دوباره همسر خود نداشـــته‌اند. در این زمینه، مشـــارکت کننده با کد ۲۰۳ اظهار داشـــت: «*نمی‌دانید چه احســـاســـی دارید وقتی که با هزار امید همســـرتو برای ترک اعتیاد می‌بری و کلی بهش دلگرمی میدی که اون می‌تونه ترک کنه و به زندگی برگرده؛ و بعد از چند روز متوجه*

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

میشی که دوبار رفته سراغ مواد. دقیقا احساس می‌کنی که دنیا رو سرت خراب شده». مشارکت کننده با کد ۲۰۶ نیز بیان داشت: «*یک بار که من و بچه‌ام حتی پول خرید نون خالی نداشتیم با هزار بدختی یه پولی قرض کردم که همسرم رو ببرم کمپ و ترک کنه و به این دلخوش بودم وقتی همسرم این همه سختی منو می‌بینه پس حتما انگیزه پیدا می‌کنه که ترک کنه اما همین که همسرم برگشت خونه دو روز بعد که رفت بیرون و برگشت دستش رو با یه باند پیچیده بود و گفت دستمو شیشه بردیده و من وقتی خواب بود دستشو باز کردم و دیدم دستش کبود هست و روی دستش جای سوزن بود که رفته بود مواد تزریق کرده بود. اون لحظه به معنای واقعی احساس کردم دنیا به آخر رسیده و دیگه هیچ امیدی وجودی نداره*».

۲. مشکلات عاطفی و احساس تنهایی

از دیگر مقوله‌های به دست آمده از پژوهش حاضر، مشکلات عاطفی و احساس تنهایی بود. نتایج نشان داد که بیشتر زنان شرکت‌کننده در این پژوهش از لحاظ عاطفی خیلی قبل‌تر از این که متقاضی طلاق باشند، از همسر خود بریده و پیوند عاطفی محکمی در بین آنها وجود نداشت. آنها برای این مسئله خود اشاره کردند که وقتی می‌بینند که همسرشان به خاطر آنها و زندگی با آنها حاضر نیستند سختی ترک اعتیاد را برای همیشه تحمل کنند، پس این نشان می‌دهد که اولویت اول همسرشان نیستند و بیان داشتند لااقل به خاطر ما هم که شده باید مواد مخدر را کنار می‌گذاشتند. از موارد بیان شده توسط کد ۲۱۳: «*اگر همسرم منو دوس داشت یا زندگی با من براش ارزش داشت به خاطر منم که شده این مواد لعنتی رو کنار میزاشت، چون بهش گفته بودم با همه سختی‌های زندگی حاضر بسازم جزء اعتیاد. واقعا هم پای بی‌پولی و بیکاریش موندم ولی اون در جواب من چکار کرد؟ دوباره رفت سراغ مواد. همچین آدمی ارزش محبت کردن نداره*». کد ۲۰۶ نیز بیان داشت: «*همسرم هیچ علاقه‌ای به من و دوتا بچه‌اش نداره. اون همه زندگی و هم و غمش فقط موادشه. فقط نگران اینه که چه جوری هزینه موادش رو تامین کنه و حتی توجهی به اینکه بچه‌هاش چیزی هست بخورن یا نه، نداره. به نظر شما همچین کسی اصلا ارزش دوست داشتن داره؟*».

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

۳. احساس اجبار برای انتخاب طلاق

یکی دیگر از مضامین به دست آمده در پژوهش حاضر احساس اجباری بود که برخی از شرکت‌کنندگان باور داشتند که برای انتخاب گزینه طلاق دارند. آنها بیان کردند که وقتی با یه فرد معتاد زندگی می‌کنی، دیگه خیلی اختیار برای انتخاب اینکه بخوای به زندگیت ادامه بدی نداری. یه جورایی مجبوری که طلاق رو انتخاب کنی و به زندگی زناشویی خاتمه بدی. یا باید قید خیلی چیزها رو بزنی، مثلا قید همه آرزوهای خودت، آینده بچه‌هات، همه نیازهایی که داری و خیلی چیزهای دیگه. همچنین چند نفر از شرکت‌کنندگان بیان کردند که از طرف خانواده خود تحت فشار هستند که از همسر معتادشان طلاق بگیرند یا باید خانواده را برای همیشه کنار بگذارند. مشارکت‌کننده با کد ۲۰۲ بیان داشت: «*راستش من خیلی هم خواهان طلاق نیستم نه اینکه از زندگی فعلی با همسرم راضی باشم ولی خب به نظر من طلاق راه حل درستی نیست. چون بعدش اینقدر باید تبعات بعد طلاق رو تحمل کنی که از زندگی با یک همسر معتاد هم سخت‌تره ولی چکار کنم که خانواده‌ام اصرار دارند که من باید طلاق بگیرم*». موارد مورد اشاره کد ۲۰۵: «*من واقعا قصد درخواست طلاق نداشتم ولی وقتی کسایی که به همسرم پول قرض داده بودند، اومدن دم خونه و شروع به داد و بی‌داد می‌کردند به طلاق فکر کردم. ولی باز هم تصمیم به عملی کردن طلاق برام سخت بود تا اینکه یکی روزی یکی از اونا که همسرم ازش پول قرض کرده بود به من پیشنهاد داد که به جای پولش با اون رابطه داشته باشم. اون موقع بود که فهمیدم من حتی اگر هم خودم نخوام طلاق بگیرم محیط و شرایط منو مجبور به انجام اینکار می‌کنه*».

٤. نگرانی در مورد زندگی آینده خود و فرزندان

از دیگر نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، نگرانی شرکت‌کنندگان از آینده نامعلوم و مبهم خود و فرزندان بود. مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش بیان کردند که در مورد آینده خود خیلی نگران هستند. به خصوص در مورد مسائل اقتصادی؛ همه زنان شرکت‌کننده به نحوی به مشکلات اقتصادی که ممکن است در آینده پیش‌رو داشته باشند، اشاره کردند. از دیگر موارد مورد اشاره آنها نگاه اطرافیان و جامعه به زنان مطلقه بود. آنها بیان کردند با

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

وجود اینکه متاسفانه آمار طلاق در کشور خیلی زیاد است اما با این وجود همچنان مردم نگاه بدی نسبت به زنی که مطلقه است، دارند و همین دیدگاه مشکلات زیادی را برای این افراد ایجاد می‌کند. همچنین آنها از نگرانی‌های خود در مورد آینده فرزند یا فرزندان خود گفتند، زمانی که بخواهند بدون حضور پدر فرزند خود را بزرگ کنند. مصاحبه شونده کد ۲۱۱ بیان داشت: «*من هیچ درآمدی از خودم ندارم، خانواده‌ی پول‌داری هم ندارم، میدانم که در مورد معیشت زندگی با مشکلات زیادی روبرو می‌شوم. من باید به فکر یک منبع درآمد برای خودم و دخترم باشم. یه نگرانی دیگه من اینه که ازدواج دخترم به خاطر باباش با مشکل روبرو بشه. نمیدونم اصلا کسی حاضر هست دختر یه آدم معتاد رو بگیره؟*». مصاحبه شونده کد ۲۰۸ نیز بیان نمود: «*نمیدونم چطور باید دو تا بچه رو بدون پدر، بزرگ کنم. گفتنش در حرف آسونه. بچه‌های من به همسن و سال‌های خودشون نگاه می‌کنند که پدرهاشون در کنارشون هستند و همه جوره از بچه‌هاشون حمایت می‌کنند. اگر فقط بحث مشکلات خودم بود به راحتی می‌تونستم باهاش کنار بیام ولی تمام نگرانی من بابت آینده بچه‌هامه. خدا از سر تقصیر باباشون نگذره. من می‌ترسم که پسرم مسیر بابشو ادامه بده و معتاد بشه. اون وقت چکار کنم؟*».

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی تجربه زیسته زنان دارای همسر معتاد متقاضی طلاق بود. نتایج پژوهش نشان داد که این زنان از زندگی زناشویی خود راضی نیستند و نتایج پژوهش حاضر با نتایج آرمان پناه و همکاران (۱۴۰۰) مبنی بر نارضایتی زنان از همسران معتاد و نارضایتی از زندگی زناشویی همسو می‌باشد. همچنین با نتایج پژوهش دربا، محمودپور، ایجادی و یوسفی (۱۴۰۰)، دماری، مسعودی‌فرید، حاجبی، درخشان‌نیا و احسانی چیمه (۱۴۰۱) و میلیس و وان‌ترایان[1] (۲۰۱۹) مبنی بر تاثیر مستقیم اعتیاد در طلاق، همسو می‌باشد. در تبیین نتایج فوق می‌توان گفت در پاسخ به تجربیات تلخ زندگی، افراد آسیب‌پذیر ممکن است به دنبال ابزارهای جایگزین برای مقابله با عوامل استرس‌زا باشند یا ممکن است در معرض مسیرهای غیرهنجاری اجتماعی شدن قرار گیرند (ساسمن، لیشا و

1. Miles & Van Tryon

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

گریفیث[1]، ۲۰۱۱). آنها ممکن است در معرض خطر خاص تجربه هر نوع مواد یا اعتیادهای رفتاری نیز باشند (لارکین، وود و گریفیث[2]، ۲۰۰۶). گفتارهای مربوط به علت‌شناسی اعتیاد به طور تاریخی بر آسیب‌پذیری نامتناسب گروه‌های خاص تأکید کرده است. به عنوان مثال، کودکان ممکن است در زمینه مصرف مواد والدین در معرض آسیب‌پذیری شدیدی برای مصرف مواد باشند (کامپفر[3]، ۱۹۸۷). از سوی دیگر، نشانگرهای ژنتیکی و عصبی بیولوژیکی آسیب‌پذیری ناشی از اعتیاد توسط نظریه‌پردازان و پژوهشگران مطرح شده است (گلدمن و برگن[4]، ۱۹۹۸) و بیکاری، فقر، موقعیت اجتماعی و ارتباط ضعیف با جامعه ممکن است آسیب‌پذیری بیشتری را ایجاد کند (سوبتی[5]، ۲۰۱۰). مدل‌های معاصر بین یک رویکرد سطح فردی، که با آسیب‌پذیری فرد در مقابل انعطاف‌پذیری مشخص می‌شود، و یک رویکرد اکولوژیکی که ریشه در تعاملات بین افراد در سیستم‌های خانواده و عوامل سطح جامعه دارد، تمایز قائل شده‌اند (وایت[6]، ۲۰۰۹). همانطور که وایت (۲۰۰۹) ادعا می‌کند، «اعتیاد یک بیماری در معرض قرار گرفتن است. برخوردی بین آسیب‌پذیری شخصی و فرصت‌های اجتماعی وجود دارد و این فرصت اغلب در شرایط روان‌شناختی و اجتماعی ایجاد می‌شود که انتخاب دوباره آن به یک انتخاب جذاب تبدیل می‌شود». فرد ممکن است تلاش کند تا با شرایط دشوار زندگی از طریق استقرار در اعتیاد کنار بیاید، و استقرار در اعتیاد ممکن است منجر به افزایش آسیب‌پذیری شود (ساسمن[7]، ۲۰۱۷). پیامدهای منفی ناشی از گیر افتادن توسط اعتیاد تمایل به تداخل با جنبه‌های کیفیت زندگی دارد و ممکن است سرمایه بهبود شخصی، خانوادگی/اجتماعی و جامعه و فرصت ایجاد خودشکوفایی را کاهش دهد (عالی[8]، ۲۰۲۱؛ لوپز-فرناندز و کاس[9]، ۲۰۲۰ ؛ ساسمن، ۲۰۲۳). بنابراین شرایط دشوار زندگی ممکن است شامل چالش‌هایی در سطح درون فردی، سطح خرد اجتماعی یا سطح کلان اجتماعی/فرهنگی باشد (ساسمن، ۲۰۱۷). در سطح درون فردی، چالش‌های فیزیکی/پزشکی ممکن است فرد را بخشی از یک جمعیت

1. Sussman, Lisha & Griffiths
2. Larkin, Wood & Griffiths
3. Kumpfer
4. Goldman & Bergen
5. Sobti
6. White
7. Sussman
8. Ali
9. Lopez-Fernandez & Kuss

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

آسیب‌پذیر و نیاز به کمک اضافی تلقی کند (کیم، اوه، فادل، سالاس-رایت و ووگن[1]، ۲۰۲۲). مصرف مواد والدین، بیماری روانی، خشونت شریک صمیمی، یا طلاق والدین، ممکن است فرد را در برابر پیامدهایی از جمله مصرف مواد، استفاده اجباری از اینترنت، افسردگی یا اضطراب آسیب‌پذیر کند (ساسمن و سینکلر[2]، ۲۰۲۲). مشارکت در چنین رفتارهایی به طور اعتیادآور منجر به کاهش کیفیت زندگی فرد، ایجاد واکنش‌های اجتماعی منفی دیگران، تفکر غیرعادی، پیامدهای عاطفی منفی، مشکلات مالی، عواقب قانونی و مسائل پزشکی می‌شود. علاوه براین، انگ، نتیجه‌ای است که در رابطه با اعتیادهای مورد تایید اجتماعی، یا احتمالاً اعتیادهایی که از لحاظ اجتماعی تحمل می‌شوند، عمل می‌کند و ممکن است از طریق تحقیر اجتماعی، طرد خود یا احساس تنهایی، در بدتر شدن شرایط در میان جمعیت‌های آسیب‌پذیر نقش داشته باشد (ساسمن، ۲۰۲۱).

از دیگر نتایج پژوهش حاضر قطع ارتباط عاطفی زنان شرکت‌کننده در پژوهش با همسرانشان بود که به آن اذعان داشتند. این نتایج با نتایج چامبرز و همکاران (۲۰۱۴)، زاروئیان و هنرپروران (۱۳۹۸)، طاهری و همکاران (۱۳۹۹)، لطیفی، صادقی، کیادربندسری، وکیلی و هاشمی رزینی (۱۳۹۸) و عظیمی رستا و عابدزاد نوبران (۱۳۹۲) مبنی بر تاثیر اعتیاد مرد بر قطع ارتباط عاطفی و طلاق عاطفی، همسو می‌باشد. در خانواده‌هایی که سرپرست خانواده معتاد است، احترام متقابل در درون نظام خانواده از بین می‌رود و در نتیجه میزان ناسازگاری اعضای خانواده افزایش می‌یابد و به تدریج پیامدهای مصرف مواد بروز پیدا می‌کند و مجموعه این رفتارها تأثیر مخربی بر روابط خانوادگی می‌گذارد. به طوری که همسر و فرزندان در معاشرت با فرد مصرف‌کننده احساس راحتی و امنیت نکنند. بنابراین در خانواده‌هایی که سرپرست خانوار معتاد است، روابط اجتماعی اعضای خانواده مختل می‌شود؛ زیرا به جای محبت، خشونت حاکم است و همچنین اعضای خانواده بیشتر به جای احساس راحتی و غرور، احساس شرمندگی و خجالت می‌کنند (آقا

1. Kim, Oh, Fadel, Salas-Wright & Vaughn
2. Sinclair

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

بخشی، ۱۳۸۸). در تبیین نتایج فوق می‌توان گفت که بدون شک هیچ زنی دوست ندارد که همسرش به مواد مخدر اعتیاد داشته باشد و معتاد تلقی شود. وقتی که زن همسرش را معتاد می‌بیند نسبت به همسر و زندگی با او احساس عدم تعلق و پوچی می‌کند و رابطه عاطفی خود را با او قطع می‌کند. زنانی که همسرشان معتاد است روابط منفی و ناخوشایندی با همدیگر دارند و از سرزنش و تحقیر زیاد استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، ارزیابی و قضاوت در میان این زنان با همسرانشان وجود دارد، احساسات به صورت درست بیان نمی‌شود (فاولر، گولو و الفینستون[1]، ۲۰۲۰). افرادی که وابسته به مواد هستند معمولاً در ارتباطات بین‌فردی خود مشکل دارند و به همین دلیل در روابط خود با همسر و دیگران عواطف منفی را تجربه می‌کنند. همچنین این افراد برای رهایی از عواطف منفی و مشکلات بین‌فردی به مصرف دوباره مواد روی می‌آورند و این یک سیکل معیوب را به وجود می‌آورد (دینگل، نوس، الحداد و هیدس[2]، ۲۰۱۸). در زندگی زناشویی قاعده بر این است که زن و شوهر از خواسته‌های شخصی خود که به روابط زناشویی آنها ضربه می‌زند، اجتناب کنند. وقتی زنانی که همسر معتاد دارند می‌بینند که همسرشان همه چیز زندگی خود و همسر و بچه‌ها را قربانی اعتیاد خود می‌کنند، از لحاظ عاطفی از همسر خود فاصله می‌گیرند. زنان شرکت‌کننده در پژوهش انتظار داشتند که همسرانشان به خاطر آنها اعتیاد را کنار بگذارد، ولی وقتی این امر محقق نشده بود نسبت به همسر خود بی‌عاطفه شده بودند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که زنان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر باور داشتند که برای انتخاب ماندن در زندگی و گرفتن طلاق خیلی اختیار ندارند و به نحوی انتخاب گزینه طلاق به آنها تحمیل می‌شود. نتایج این پژوهش با نتایج بشرپور و احمدی (۱۳۹۸)، شروت و ویگل[3] (۲۰۱۸) و سابرا و کوان[4] (۲۰۱۷) همسو می‌باشد. در تبیین این نتایج می‌توان بیان کرد که چون جامعه و شرایط اجتماعی و اقتصادی، پذیرای فرد معتاد نیست، زنان این افراد دچار مشکلات فراوانی از سمت خانواده و جامعه می‌شوند. آنها ممکن است

1. Fowler, Gullo & Elphinston
2. Dingle, Neves, Alhadad & Hides
3. Shorout & Weigel
4. Sbarra & Coan

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

که با عدم حمایت خانواده اصلی، انتظارات مالی و سرزنش به خاطر اعتیاد همسرشان مواجه شوند (لوگانتهان و هو[1]، ۲۰۲۱). زنان مصاحبه‌شونده در این پژوهش اشاره کردند که هیچ کس به همسر معتاد ما اعتماد نمی‌کند. به آنها شغل حسابی داده نمی‌شود، چون باور دارند قابل اعتماد نیستند. خانواده به ما فشار می‌آورند که چرا زندگی خود را فدای فرد معتادی کرده‌ایم که قصد اصلاح خود را ندارد. به گفته دالی[2] (۲۰۱۳)، زنان متاهل دارای همسر معتاد به مواد مخدر معمولاً بار عاطفی، محدودیت‌های مالی، تعارضات روابط، و افزایش نقش/نقش‌های دوگانه را تجربه می‌کنند. به دام افتادن در ازدواج با یک فرد معتاد به مواد مخدر، بار عاطفی، به ویژه احساس خشم، ناامیدی، نگرانی، ترس، افسردگی، شرم و گناه را به همراه دارد. احساسات ناپایدار در طولانی مدت برای همسر معتاد استرس ایجاد می‌کند. آنها می‌توانند به افراد کمتر حساس تبدیل شوند و از نظر عاطفی با بچه ها نزدیک نشوند. بی‌توجهی به عواطف کودکان زمانی محسوس است که مادر با استرس عاطفی مواجه شود. علاوه‌براین، عامل مهم دیگری که منجر به طلاق می‌شود ترس همسران از اثرات طولانی مدت مصرف مواد مخدر در کودکان است. در مرحله بعد، محدودیت‌های مالی که به دلیل پول زیادی که برای شوهر برای تهیه مواد مخدر صرف می‌شود در خانواده وجود دارد (ابراهیم[3] و همکاران، ۲۰۲۱). بار مالی نیز به دلیل وابستگی خانواده به شخص ثالث برای استقراض پول بدتر می‌شود. اکثر خانواده‌ها به دلیل بار اولیه پول زیادی که صرف مصرف مواد مخدر می‌شود، مجبور به بدهی می‌شوند. جدای از آن، آنها از نظر سازگاری نیز پایین هستند و علاقه‌ای به سازماندهی خانواده به ویژه تأمین نفقه خانواده خود ندارند. در نتیجه تحت فشار محیط و خانواده تن به طلاق می‌دهند. زنان به احتمال زیاد کمتر از شوهران از ازدواج راضی هستند. این مسئله بر استرس آنان می‌افزاید و به راحتی می‌تواند کانون خانواده را از هم بپاشد. در برخی مواقع، همسران ازدواج را بی‌کیفیت می‌دانند و باید در مورد وظایف کاری با همسران مشورت

1. Loganathan & Ho
2. Daley
3. Ibrahim

سال هفدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

کنند، اما در اثر گیرکردن در عالم مواد مخدر، به همسر خود اهمیتی نمی‌دهد. این وضعیت زناشویی می‌تواند باعث ایجاد اختلاف و استرس در رابطه زناشویی می‌شود.

از دیگر نتایج پژوهش حاضر نگرانی زنان شرکت‌کننده در پژوهش در مورد آینده خود و فرزندانشان بود. این یافته با نتایج پژوهش‌های نادری، افتخار و آملازاده (۱۳۹۰)، ادجر[1] (۲۰۱۲) و جناآبادی و جوادی‌فر (۱۴۰۰) همسو می‌باشد. وابستگی به مواد عموماً آسیب‌های جدی به خود فرد معتاد، خانواده و جامعه وارد می‌کند و هزینه زیادی را برای خانواده به همراه دارد (سنتیل و کایران[2]، ۲۰۱۶). در نظام خانواده، اثرات منفی مصرف مواد به ویژه بر همسر، والدین و فرزندان فرد مصرف‌کننده مواد (کوپلو، ولمن و تمپلتون[3]، ۲۰۰۵) است و اعضای خانواده ممکن است احساس خشم، ناامیدی، اضطراب، ترس، نگرانی، افسردگی، شرم و گناه کنند (چوداری[4]، ۲۰۱۶). وقتی فردی در خانواده شروع به تغییر عادت‌ها و رفتارها می‌کند، اعضای خانواده ناخواسته جذب او می‌شوند. همچنین، اعضای خانواده اغلب تحت تأثیر منفی سبک زندگی فرد معتاد قرار می‌گیرند و بدون اینکه بدانند چه اتفاقی افتاده است، احساس ناراحتی، عصبانیت، ناامیدی و سردرگمی می‌کنند. آنها نگران این هستند که چرا عزیزشان متفاوت عمل می‌کند، کناره‌گیری می‌کند و مسئولیت خود را به خوبی انجام نمی‌دهد. بنابراین باعث ایجاد تنش در خانواده و در نهایت اضطراب و افسردگی در اعضای خانواده می‌شود (منچری، شریفی نیستانک، سیدفاطمی، حیدری و قدوسی، ۱۳۹۲). در تبیین این نتایج می‌توان گفت، با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی، بخشی از نگرانی‌های زنان متقاضی طلاق در مورد آینده خود و فرزندان‌شان منطقی است. تحقیقات زیادی بیانگر این موضوع بوده است که وقتی زنان از همسر خود جدا می‌شوند در مورد مسائل مالی با مشکلات زیادی روبرو می‌شوند. همچنین با توجه به تفاوت جنسیتی و مسائل فیزیکی زنان، آنها نمی‌توانند در هر شغل ایفای نقش کنند. به‌خصوص برای زنانی که از تحصیلات عالی برخوردار نیستند، پیدا کردن شغلی با درآمد مناسب سخت خواهد شد. همچنین یکی دیگر از نگرانی زنان

1. Edger
2. Senthil & Kiran
3. Copello, Velleman & Templeton
4. Choudhary

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

شرکت‌کننده در پژوهش حاضر در مورد فرزندان آنها بود که حتما بزرگ کردن فرزندان بدون حضـور پدر کار سـختی خواهد بود و مادران از بابت تربیت درسـت فرزندان خود، نگرانی‌های زیادی داشـتند. همچنین نگران بودند که آیا آینده فرزندان‌شـان به خاطر طلاق و یا داشتن پدری معتاد به مخاطره نمی‌افتد؟ آیا بچه‌ها می‌توانند ازدواج موفق داشته باشند؟ به خصـوص در مورد ازدواج دختران این نگرانی بیشـتر بود. یکی دیگر از دغدغه‌های این زنان در مورد دیدگاه جامعه و اطرافیان در مورد زنان مطلقه بود که یک دیدگاه منفی و بی‌اعتمادانه نسـبت به زنان مطلقه وجود دارد. همچنین زن مطلقه در دید آن مردان یک فرصت برای کام‌جویی و ارضاء درخواست‌های نامشروع به شمار می‌آید و این مسئله در پژوهش‌های پیشین به صورت درخواست‌های متعدد برای ازدواج موقت و در پژوهش‌های اخیر به صـورت درخواسـت‌های دوسـتی نمود پیدا کرده اسـت (مفردنژاد و همکاران، ۱۴۰۱). خانواده زنان مطلقه برای اینکه فرزند خود را از این قضـاوت‌ها و درخواسـت‌ها مصون نگه دارند، سعی بر اعمال کنترل بیشتر بر رفت و آمد یا پوشش آنها می‌کنند. همه این موارد دسـت به دسـت هم داده تا زنان متقاضـی طلاق در مورد زندگی آینده خود و فرزندان‌شان نگرانی داشته باشند.

به‌طور کلی، نتایج این پژوهش نشـان داد که زنانی که همسـر معتاد دارند برای تصـمیم‌گیری در مورد ادامه دادن به زندگی مشـترک و گرفتن طلاق، در هر دو حالت با مشکلات فراوانی روبرو هستند که نیازمند اصلاحاتی ساختاری از طرف خانواده، فرهنگ، جامعه و حتی مسـئولین می‌باشـد. احسـاس فشـاری که خانواده و جامعه به این زنان برای گرفتن طلاق وارد می‌کنند و همچنین نگرانی زنان در مورد اینکه بعد از طلاق بایـد با مشکلاتی از قبیل مسائل مالی، نگاه سنگین جامعه و همچنین مورد طمع واقع شدن از طرف مردان روبرو شـوند، همگی تلنگری به خانواده‌ها و جامعه اسـت که باید در قبال این زنان تجدید نظر صورت گیرد و از آنها حمایت‌های بیشتری شود. این افراد حق زندگی دارند و می‌توانند برای خود و جامعه مفید و مولد باشـند. برخورد نامناسـب با این گروه از زنان جامعه، می‌تواند تبعات سنگین‌تری برای جامعه داشته باشد که ممکن است فشارهای وارد شده به آنها باعث شود که آنها نیز به سمت مواد مخدر و یا فحشا کشیده شوند.

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

منابع

احمدی، سبا و قاسمی‌پور، یداله (۱۴۰۰). مقایسه ترس از صمیمت، ناگویی هیجانی و ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی در افراد موفق و ناموفق در ترک اعتیاد. *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، ۱۵(۶۲)، ۲۰۴-۱۸۵.

اسلمی، الهه؛ امیری‌راد، ملیحه و موسوی، شکوفه (۱۳۹۹). اثربخشی درمان مبتنی بر شفقت به خود بر کنترل خشم و خودکارآمدی زنان دارای همسر معتاد در شهر مشهد. *فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*، ۱۱(۳۹)، ۶۵-۴۹.

امیری‌راد، ملیحه؛ اسلمی، الهه و موسوی، شکوفه (۱۴۰۰). اثربخشی درمان شفقت به خود بر معنایابی در زندگی و رضایت جنسی زنان دارای همسر معتاد در شهر مشهد. *فصلنامه مطالعات روان-شناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبائی*، ۱۰(۴۰)، ۱۰۲-۷۷.

آرمان پناه؛ آزاده؛ سجادیان، ایلناز و نادی، محمدعلی (۱۴۰۰). اثربخشی بسته‌ی تلفیقی غنی‌سازی روابط زناشویی و شناخت درمانی مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر رضایت زناشویی و باورهای ارتباطی زنان دارای همسر معتاد. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۴(۴)، ۳۸۰۹-۳۸۲۰.

آقابخشی، حبیب (۱۳۸۸). *اعتیاد و آسیب‌شناسی خانواده رویکرد مددکاری اجتماعی به مسایل و آسیب‌های جامعه‌ای*. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، رسانه تخصصی.

بشرپور، سجاد و احمدی، شیرین (۱۳۹۸). الگوی روابط ساختاری ولع‌مصرف بر اساس حساسیت به تقویت، تحمل آشفتگی و دلسوزی به خود با نقش میانجی خودکارآمدی ترک. *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، ۱۳(۵۴)، ۲۶۴-۲۴۵.

جناآبادی، حسین و جوادی‌فر، پروانه (۱۴۰۰). رابطه‌ی حمایت اجتماعی و سرسختی روان‌شناختی با تاب‌آوری در زنان دارای همسر وابسته به مواد تحت درمان دارویی. *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، ۱۵(۶۲)، ۲۶۰-۲۴۵.

حیاتی، مژگان و سلیمانی، شهلا (۱۳۹۷). پیامدهای طلاق برای فرد مطلقه: یک مطالعه کیفی. *مجله رویش روانشناسی*، ۷(۱۱)، ۲۸۸-۲۷۳.

دربا، محمد؛ محمودپور، عبدالباسط؛ ایجادی، سحر و یوسفی، ناصر (۱۴۰۰). رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه با رضایت زناشویی و کیفیت زندگی در زنان دارای همسر وابسته به مواد. *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، ۱۵(۶۰)، ۳۹۳-۳۷۳.

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

دماری، بهزاد؛ مسعودی فرید، حبیب‌الله؛ حاجبی، احمد؛ درخشان‌نیا، فریبا و احسانی چیمه، الهام (۱۴۰۱). روند شاخص‌ها، عوامل موثر و مداخلات طلاق در ایران. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۲۸(۱)، ۸۹-۷۶.

دهقانی‌تفتی، زهرا؛ محمدی، اصغر و حقیقتیان، منصور (۱۳۹۸). بررسی جامعه شناختی پیامدهای اجتماعی طلاق عاطفی زنان شهر تهران طی سال‌های ۹۶-۹۷ بر اساس معادلات ساختاری. *مجله پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۸(۲۴)، ۱۱۵-۹۷.

زاروئیان، آرزو و هنرپروران، نازنین (۱۳۹۸). پدیدارشناسی کیفیت زندگی زنان با همسر معتاد. *فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۱(۳)، ۳۵-۱۱.

شیری، فاطمه و گودرزی، محمود (۱۳۹۹). اثربخشی زوج‌درمانی سیستمی –رفتاری بر عملکرد خانواده و عملکرد جنسی زنان دارای همسر معتاد. *فصلنامه علمی- پژوهشی روان‌شناسی کاربردی*، ۱۴(۵۶) ۳۶۸-۳۴۵.

صالحی، بهمن؛ صلحی، حسن؛ فتوت، امیر رضا؛ معتمدی، درخشنده؛ مرادی، شیرین و ابراهیمی، سمیه (۱۳۹۱). مقایسه اختلالات روان‌پزشکی خانواده‌های معتادین به تریاک مراجعه‌کننده به کلینیک‌های ترک اعتیاد و مراجعین به سازمان انتقال خون. *مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک*، *۱۵* (۳)، ۳۸-۳۲.

طاهری، سمیه؛ هاشمی رزینی، هادی و وکیلی، سمیرا (۱۳۹۹). اثربخشی معنادرمانی گروهی بر افسردگی و کیفیت زندگی زنان دارای همسر معتاد. *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، ۱۴(۵۵)، ۲۲۸-۲۱۳.

عظیمی رستا، محمود و عابدزاد نوبریان، مهرناز (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر بر بروز طلاق عاطفی میان زوجین در خانواده. *فصلنامه مطالعات جامعه شناختی ایران*، ۳(۱۰)، ۴۶-۳۱.

لطیفی، بنفشه؛ صادقی، مریم؛ کیادربندسری، فائزه؛ وکیلی، سمیرا و هاشمی رزینی، هادی (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش مهارت همدلی بر صمیمیت، سازگاری زناشویی و گرایش به معنویت در زنان دارای همسر معتاد. *فصلنامه سبک زندگی با محوریت سلامت*، ۳(۵)، ۱۵-۱.

مرندی، مریم؛ واحدی، حسین و قوی‌پنجه، بلاش (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش گروهی ایماگوتراپی بر کیفیت زناشویی، دلزدگی زناشویی و تاب‌آوری در زنان با همسر وابسته به مواد. *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، ۱۵(۶۱)، ۲۴۰-۲۲۱.

مفردنژاد، ناهید؛ منادی، مرتضی و اخوان تفتی، مهناز (۱۴۰۱). مطالعه کیفی تجارب زنان مطلقه از پیامدهای طلاق (مورد مطالعه: زنان مطلقه شهرستان بهبهان. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۲۱(۱۱۶)، ۱۵۳۹-۱۵۶۱.

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

منچری، حمیده؛ شریفی نیستانک، ناهیددخت؛ سیدفاطمی، نعیمه؛ حیدری، محمد و قدوسی، منصوره (۱۳۹۲). مشکلات روانی- اجتماعی در خانواده‌های معتادین. *نشریه پرستاری ایران*، ۲۶(۸۳)، ۵۶-۴۸.

نادری، فرح؛ افتخار، زهرا و آملازاده، صغری (۱۳۹۰). رابطه ویژگی‌های شخصیت با روابط صمیمی همسر در زنان دارای همسر معتاد. *فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ*، ۳(۹)، ۸۳-۹۸.

نیکبخت نصرآبادی، علیرضا؛ پاشایی ثابت، فاطمه و بستامی، علیرضا (۱۳۹۵). تجربه زندگی با همسر معتاد: یک مطالعه پدیدار شناسی. *نشریه پژوهش پرستاری ایران*، ۱۱(۱)، ۷۵-۶۲.

References

Ahmad Khan, T. A., & Hamid, W. (2021). Lived experiences of divorced women in Kashmir: a phenomenological study. *Journal of Gender Studies*, 30(4), 379-394.

Ali, A. Y. (2021). Behavioral addictions: the substance of non-substance related addictive disorders. *International Journal of Emergency Mental Health*, 23, 1-6.

Andoh-Arthur, J., Hjelmeland, H., Osafo, J., & Knizek, B. L. (2020). Substance use and suicide among men in Ghana: A qualitativestudy. *Current Psychology*, 41, 1-13.

Arlappa, P., Jha, S., & Jayaseeli, S. (2019). Impact of addiction on family: an exploratory study with reference to slums in Kolkata. *Journal of Social Sciences*, 2, 58-71

Chambers, C., Chiu, S., scitt, A. N., Tolomiczenko, G., Redelmeier, D.A., Levinson, W., & Hwang, S. W. (2014). Factors associated with poormental health staus among homeless women with and without dependent children. *Community Mental Health Journal*, 50(5), 553-569.

Chen, M., & Yip, P. S. (2018). Decomposing the crude divorce rate in five countries: Singapore, Taiwan, South Korea, the UK, and Australia. *Asian Population Studies*, 14(2), 137-152.

Choudhary, M. (2016). A qualitative study to assess perceived burden among caregivers of client with substance dependence. *International Journal of Nursing Education and Research*, 4(2), 169-173.

Copello, A. G., Velleman, R. D., & Templeton, L. J. (2005). Family interventions in the treatment of alcohol and drug problems. *Drug and Alcohol Review*, 24(4), 369-385.

Daily, G. A. (2019). Divorce Among Physicians and Medical Trainees. *Journal of the American College of Cardiology*, 73(4), 521-524.

Daley, D. C. (2013). Family and social aspects of substance use disorders and treatment. *Journal of Food and Drug Analysis*, 21(4), 73-76.

Dingle, G. A., Neves, D. D. C., Alhadad, S. S., & Hides, L. (2018). Individual and interpersonal emotion regulation among adults with substance use disorders and matched controls. *British Journal of Clinical Psychology*, 57(2), 186-202.

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

Edger, K. (2012). Evangelicalism, sexual morality, and sexual addiction: Opposing views and continued conflicts. *Journal of Religion and Health*, 51(1), 162-178.

Fowler, J., Gullo, M. J., & Elphinston, R. A. (2020). Impulsivity traits and Facebook addiction in young people and the potential mediating role of coping styles. *Personality and Individual Differences*, 161, 109-125.

Giano, Z., Hubach, R. D., Currin, J. M., & Wheeler, D. L. (2019). Adverse childhood experiences and MSM marijuana use. *Drug and Alcohol Dependence*, 198, 76-79.

Goldman, D., & Bergen, A. (1998). General and specific inheritance of substance abuse and alcoholism. *Archives of General Psychiatry*, 55(11), 964-965.

Ibrahim, F., Zakaria, E., Hassan, N., Kamaluddin, M. R., Wan Sulaiman, W. S., & Yunos, N. A. (2021). Profiles and experiences of drug use and criminal involvement among Malay offenders in Malaysia. *Educatum Journal of Social Sciences*, 7(1), 55-66.

Khataybeh, Y. D. A. (2022). The consequences of divorce on women: an exploratory study of divorced women problems in Jordan. *Journal of Divorce & Remarriage*, 63(5), 332-351.

Kim, Y., Oh, S., Fadel, P. J., Salas-Wright, C. P., & Vaughn, M. G. (2022). Trends of substance use among individuals with cardiovascular disease in the United States, 2015–2019. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(1), 577-597.

Kumpfer, K. L. (1987). Special populations: Etiology and prevention of vulnerability to chemical dependency in children of substance abusers. In B. S. Brown & A. R. Mills (Eds.), *Youth at High Risk for Substance Abuse* (pp. 1–72). US: National Institute on Drug Abuse.

Larkin, M., Wood, R. T., & Griffiths, M. D. (2006). Towards addiction as relationship. *Addiction Research & Theory*, 14(3), 207-215.

Leopold, T. (2018). Gender differences in the consequences of divorce: A study of multiple outcomes. *Demography*, 55(3), 769-797.

Loganathan, K., & Ho, E. T. W. (2021). Value, drug addiction and the brain. *Addictive Behaviors*, 116, 1-10.

Lopez-Fernandez, O., & Kuss, D. J. (2020). Preventing harmful internet use-related addiction problems in Europe: A literature review and policy options. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17(11), 3797-3815.

Miles, R., & Van Tryon, P. J. S. (2019). Learning the science behind drug addiction: a school-based laboratory approach to addiction prevention. *Science Educator*, 27(1), 33-45

Moriarty, H., Stubbe, M., Bradford, S., Tapper, S., & Lim, B. T. (2011). Exploring resilience in families living with addiction. *Journal of Primary Health Care*, 3(3), 210-217.

Nanni, M. G., Caruso, R., Sabato, S., & Grassi, L. (2018). Demoralization and embitterment. *Psychological Trauma: Theory, Research, Practice, and Policy*, 10(1), 14-21.

Oren, D., & Hadomi, E. (2020). Let's talk divorce-an innovative way of dealing with the long-term effects of divorce through parent-child relationships. *Journal of Divorce & Remarriage*, 61(2), 148-167.

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]

Ray, G. T., Mertens, J. R., & Weisner, C. (2009). Family members of people with alcohol or drug dependence: health problems and medical cost compared to family members of people with diabetes and asthma. *Addiction*, 104(2), 203-214.

Rossi, F. S., Holtzworth-Munroe, A., & Rudd, B. N. (2016). Intimate partner violence and child custody. *Parenting Plan Evaluations: Applied Research for the Family Court*, 11, 346-373.

Sands, A., Thompson, E. J., & Gaysina, D. (2017). Long-term influences of parental divorce on offspring affective disorders: A systematic review and metaanalysis. *Journal of Affective Disorders*, 218, 105-114.

Sbarra, D. A., & Coan, J. A. (2017). Divorce and health: Good data in need of better theory. *Current Opinion in Psychology*, 13, 91-95.

Senthil, M., & Kiran, M. (2016). Relationship between family interaction pattern, family burden and quality of life among caregivers of patients with alcohol dependence. *The International Journal of Indian Psychology*, 3(4), 107-13.

Shrout, M. R., & Weigel, D. J. (2018). Infidelity's aftermath: Appraisals, mental health, and health-compromising behaviors following a partner's infidelity. *Journal of Social and Personal Relationships*, 35(8), 1067-1091.

Smith-Greenaway, E., & Clark, S. (2017). Variation in the link between parental divorce and children's health disadvantage in low and high divorce settings. *SSM-Population Health*, 3, 473-486.

Sobti, V. (2010). A comparative study of substance abusers and non-users on self-efficacy, stress and coping among high school students. *Journal of Psychosocial Research*, 5(2), 283–290

Sussman, S. (2017). *Substance and behavioral addictions: Concepts, causes, and cures*. UK: Cambridge University Press.

Sussman, S. (2021). Commentary: Addiction, stigma, and neurodiversity. *Evaluation & the Health Professions*, 44(2), 186-191.

Sussman, S. (2023). Behavioral addictions and quality of life. *Addiction, Recovery and Quality of Life: Cross-Cutting Perspectives from Around the Globe*. New York: Springer.

Sussman, S., & Sinclair, D. L. (2022). Substance and behavioral addictions, and their consequences among vulnerable populations. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(10), 6163-6180.

Sussman, S., Lisha, N., & Griffiths, M. (2011). Prevalence of the addictions: a problem of the majority or the minority? *Evaluation & the Health Professions*, 34(1), 3-56.

Thorberg, F. A., Young, R. M., Hasking, P., Lyvers, M., Connor, J. P., London, E. D., & Feeney, G. F. (2019). Alexithymia and alcohol dependence: The roles of negative mood and alcohol craving. *Substance Use & Misuse*, 54(14), 2380-2386.

White, W. L. (2009). The mobilization of community resources to support long-term addiction recovery. *Journal of Substance Abuse Treatment*, 36(2), 146-158.

Zamani, M. (2017). Comparative study of customary and legal approach to addiction. *2 nd National Conference on Islamic Humanities Sciences*. http://WWW. clis. ir.

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-09-10]

[DOI: 10.61186/etiadpajohi.17.70.55]